



روش شناسی نقد حدیث (نقد متن محور بر اساس ادله عقلی)

پدیدآورنده (ها) : فتح الهی، ابراهیم

ادیان، مذاهب و عرفان :: روش شناسی مطالعات دینی :: بهار و تابستان 1394، سال دوم - شماره 1
از 46 تا 56

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1154872>

دانلود شده توسط : محمد جعفری

تاریخ دانلود : 29/06/1399

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

روش‌شناسی نقد حدیث

(نقد متن محور بر اساس ادله عقلی)

Methodology of Hadith's criticism
(Criticism based on intellectual reasoning)

Ebrahim Fathollahi *

ابراهیم فتح‌الهی *

Abstract:

چکیده:

To criticize Hadith, there are various ways. One of the ways for criticizing Hadith is to examine their documents which are called document based criticism. Authenticity of the document cannot alone result in its acceptance, in as much as the weakening of the document is not the sufficient criterion for removing the Hadith. Therefore, in addition to the document centered criticism, we need more other methods where one of the methods is the text centered criticism which is performed with two narrative and intellectual reasoning. In the current paper, the text based criticism is examined based on the intellectual reasoning. By intellectual reasoning, it is the reason and other evidence which are consider to be intellectual.

برای نقد حدیث، روش‌های مختلفی وجود دارد. یکی از روش‌های نقد حدیث، بررسی سند آنهاست که اصطلاحاً آن را نقد سند محور گویند. صحت سند حدیث به تنهایی موجب پذیرش آن نمی‌شود. چنانکه اثبات ضعف سند حدیث نیز معیار کافی برای کنارگذاشتن حدیث نیست. بنابراین علاوه بر نقد سند محور به روش‌های دیگری نیز نیاز داریم که یکی از این روش‌ها، نقد متن محور است که با دو ملاک ادله نقلی و ادله عقلی انجام می‌گیرد. در مقاله حاضر، نقد متن محور بر اساس ادله عقلی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. منظور از ادله عقلی، عقل و سایر قرائنی هستند که به نوعی عقلانی محسوب می‌شوند.

Keywords: Criticism, Text based criticism, Narrative reasoning, Intellectual reason, Rejal, Intellect, Preferences, Wording of text's criticism.

کلیدواژه‌ها: نقد، نقد سند محور، نقد متن محور، ادله نقلی، ادله عقلی، رجال، درایه، مرجحات، الفاظ نقد متن.

* Scientific Member of Payame Noor University.

* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور.

fathollahi-ebrahim@yahoo.com.

مقدمه

دانشمندان برای نقد و ارزیابی حدیث معیارهایی را وضع کرده‌اند. برخی از این معیارها به بررسی و نقد سند حدیث و برخی دیگر به نقد متن حدیث مربوط می‌شوند. لذا می‌توان گفت: روش‌های نقد حدیث دوگونه است:

الف- نقد سند محور، ب- نقد متن محور.

نقد سند محور

در نقد سند محور، از طریق تأمل در احوال راویان حدیث و اتصال یا انقطاع زنجیره سند حدیث به ارزیابی حدیث می‌پردازند. علمی که محقق را در این روش یاری می‌کنند عبارتند از:

الف- علم رجال الحدیث؛

ب- علم درایة الحدیث.

تعریف علم رجال

منظور از علم رجال آن‌گونه که شیخ آقا بزرگ تهرانی تعریف کرده «علمی است که در آن از احوال و اوصاف راویان حدیث بحث می‌شود، آن اوصافی که در قبول و رد گفته آنها دخالت دارد (تهرانی، ۱۴۰۳: ۸۰/۱۰).

تعریف علم درایه

منظور از علم درایه آن‌گونه که شیخ آقا بزرگ تهرانی تعریف کرده «علمی است که در آن احوال و عوارض مربوط به سند حدیث بحث می‌شود. سند یعنی طریقی که به متن حدیث می‌رسد که عبارتست از تعدادی از افراد که متن حدیث را از یکدیگر نقل می‌کنند و بدین وسیله متن به ما می‌رسد (تهرانی، ۱۴۰۳: ۵۴/۸).

تفاوت علم رجال با درایه

در حال حاضر درایه متکفل سند شناسی است، نه متن شناسی و از این جهت موضوع آن با موضوع علم رجال متحد شده است. با این تفاوت که در علم رجال به بررسی وثاقت یا ضعف تک تک راویان پرداخته می‌شود ولی ارتباط آنان با یکدیگر مورد توجه قرار نمی‌گیرد، برخلاف علم درایه که در آن به بررسی چگونگی ارتباط راویان با یکدیگر و در نتیجه اتصال و انقطاع سند پرداخته می‌شود (معارف، ۱۳۸۲: ۴۵).

کافی نبودن نقد سند محور

گفته شد که یکی از روش‌های نقد حدیث، بررسی سند آنهاست، اینگونه نقد را اصطلاحاً نقد سند محور گویند. در این روش، حدیث شناسان از ضعف یا صحت سند حدیث بحث می‌کنند. در نقد سند محور از اموری که موجب سلب اعتماد از سخن گوینده شده و در نتیجه حدیث را ضعیف می‌کند، بحث می‌شود. از مهم‌ترین عواملی که موجب ضعف سند یک حدیث می‌شود می‌توان به عدم اطمینان به شخصیت راوی و وجود گسست در سلسله ناقلان اشاره کرد (مامقانی، ۱۴۱۱: ۱۷۸/۱-۱۷۷). در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا با اثبات ضعف سند یک حدیث می‌توان آن حدیث را کنار گذاشت؟ در پاسخ باید گفت: با اطمینان کافی نمی‌توان ضعف سند حدیث را مستمسکی برای رد مطلق آن حدیث قرار داد. به عبارت دیگر، کنار گذاشتن یک حدیث، صرفاً با استناد به ضعف سند حدیث، عقلانی نبوده و دلیلی کافی به نظر نمی‌رسد (معروف الحسنی، ۱۳۹۸: ۲۹۵ - ۲۹۴).

چنانکه صحت سند حدیث نیز به تنهایی موجب حصول قطع و یقین نسبت به صدور حدیث از ناحیه معصومین (ع) نخواهد بود.

الف- عدم تعارض با قرآن

عرضه حدیث بر قرآن از مهم‌ترین معیارهای نقد متن است. چنانکه از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمود: هرگاه شما را حدیثی رسد، آن را بر کتاب خدا و سنت من عرضه کنید، آنچه را موافق کتاب و سنت من یافتید، بدان تمسک جوئید و آنچه را مخالف کتاب خدا و سنت من دانستید، رها کنید.

«فاذا اتاكم الحديث فاعرضوه على كتاب الله و سنتي، فما وافق كتاب الله و سنتي فخذوا به و ما خالف كتاب الله و سنتي فلا تأخذوا به» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۰/۵۰ ح ۶)

بنابر این یکی از معیارهای پذیرش حدیث در ارزیابی متنی، توافق آن با «کتاب الله» می‌باشد. بدین ترتیب احادیث متعارض با قرآن غیرقابل اتباع است. مثل جمله «ولد الزنا لا يدخل الجنة الى سبعة ابناء» که ادعا شده، حدیث است، ولی با آیه صریح قرآن که می‌فرماید: ﴿و لا تزوروا زورا و زرا اُخرى﴾ در تعارض است. بنابر این نمی‌توان آن را به عنوان حدیث قبول کرد (شانه‌چی، ۱۳۶۳: ۱۲۵).

ب- عدم تعارض با سنت

یکی دیگر از معیارهای ارزیابی متن حدیث، عرضه آن بر احادیث قابل اعتماد دیگر یا مجموعه‌ای از روایات قابل اعتماد است که در همان موضوع خاص وارد شده باشند. چنانکه در معیار پیشین نیز دیدیم، عرضه حدیث به قرآن و سنت توأمأ ذکر شده است.

امام رضا (ع) در این مورد می‌فرماید: ما از خدا و رسولش (ص) حدیث می‌کنیم، از فلان و فلان نمی‌گوییم تا سخنانمان متناقض درآید. همانا سخن

یعنی در صورت صحت سند حدیث نیز نمی‌توان صرفاً با استناد به صحت سند، صدور آن را از ناحیه معصومین (ع) قطعی دانست و تنها احادیثی را می‌توان یقینی دانست که متواتر باشند (مامقانی، ۱۴۱۱: ۸۸/۱)، چرا که در طول تاریخ، حدیث‌سازان هوشمندی پیدا شده‌اند که احادیثی را با سندهای صحیح جعل کرده‌اند. با اندکی تأمل و تحقیق می‌توان احادیثی را یافت که سند آنها به ظاهر صحیح است، ولی جزء احادیث موضوعه تلقی شده‌اند.

بدین ترتیب علاوه بر نقد سند محور به روش یا روش‌های دیگری نیز در ارزیابی و نقد احادیث نیاز داریم. یکی از روش‌ها، نقد متن محور است که خود به روش‌های فرعی دیگر نیز قابل تقسیم است.

نقد متن محور

منظور از نقد متن محور، بررسی و ارزیابی یک حدیث بدون توجه به سند آن و اتصال زنجیره سند می‌باشد و آن ارزیابی‌ای است که صرفاً بر اساس متن حدیث صورت می‌پذیرد. برای نقد متن محور معیارهایی وجود دارد که می‌توان آنها را به دو بخش تقسیم کرد:

- ۱- نقد متن حدیث بر اساس کتاب و سنت (معیارهای نقلی)؛
- ۲- نقد متن حدیث بر اساس ادله لَبّی (معیارهای عقلی).

نقد متن محور بر اساس معیارهای نقلی (ادله نقلی)

هرگاه متن یک حدیث بر اساس عرضه آن به کتاب و سنت مورد بررسی قرار گیرد، اصطلاحاً آن را روش نقلی گویند. برخی از معیارهای نقلی را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

خواهند بود. چرا که بیان این‌گونه مسائل از شأن ایشان بدور است.

نقد متن محور بر اساس معیارهای عقلی (ادله عقلی)

هرگاه متن یک حدیث بر اساس عرضه آن بر عقل و معیارهای عقلی مورد ارزیابی قرار گیرد، اصطلاحاً آن را روش عقلی گویند.

منظور از ادله عقلی، عقل و سایر قرائنی هستند

که به نوعی عقلانی محسوب می‌شوند:

استاد شانه‌چی می‌گوید: «از مهم‌ترین شرایط صحت حدیث عدم مخالفت با عقل است. زیرا عقل رسول باطن و مهم‌ترین حجت خداوند است که بوسیله آن شناسایی خدا و راستی و درستی پیغمبران هویدا می‌گردد. بدیهی است که گفتار پیامبر (ص) که حتی نبوت وی با راهنمایی همین حجت باطنی شناخته می‌شود، نمی‌تواند مخالف با اصل حجت یعنی عقل باشد.» (همو: ۱۰۸)

ایشان در ادامه مطلب، فرق بین مخالفت حدیث با عقل را با نداشتن دلیل عقلی چنین توضیح داده است: «مخالفت با عقل، غیر از این است که برای چیزی دلیل عقلی نداشته باشیم، چرا که مفاد قسمت مهمی از احادیث از دایره حکم عقل و نفی و اثبات آن توسط عقل، برکنار است. لذا اگر حدیثی واجد سایر شرایط صحت بود، به شرط عدم مخالفت با عقل باید آن را پذیرفت. هر چند که دلیل عقلی نیز برای آن نداشته باشیم.» (همو: ۱۰۹)

روش‌های نقد متن حدیث بر اساس ادله عقلی

هرگاه بخواهیم بر اساس عقل یا قرائن عقلانی متن حدیث را مورد نقد و ارزیابی قرار دهیم، می‌توانیم به یکی از روش‌های زیر آن را انجام دهیم:

آخرین ما مانند کلام اولین ماست و کلام اولین ما مؤید کلام آخرین ماست. پس اگر کسی آمد که جز این بر شما روایت کرد، سخنش را به خودش بازگردانید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲/۲۴۹ ح ۶۲).

در اینکه معیار حدیثی که بوسیله آن ارزیابی احادیث دیگر انجام می‌شود، چیست؟ بزرگان گفته‌اند که حدیث معیار باید خود متواتر باشد (سبحانی، ۱۴۰۵: ۶۱-۶۰).

ج- عدم تعارض با سیره یا روش معصومین (ع)

یکی از معیارهای نقلی در نقد و ارزیابی متن حدیث، مقایسه و سنجش حدیث با سیره و روش زندگی معصومین (ع) است. مثلاً اگر در مطالعه سیره زندگی معصومین (ع)، در مورد نحوه برخورد آنها با مخالفانشان به قاعده‌ای رسیدیم، می‌توانیم آن را به عنوان یک ملاک در ارزیابی احادیث بکار ببریم و اگر در لابلای متن حدیث عبارتی باشد که با آن قاعده کلی سیره معصومین (ع) در تعارض است، می‌توان آن را مردود اعلام کرد.

د- عدم تعارض با شأن معصوم (ع)

به مصداق آیه ﴿وَلَقَدْ كَان لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (احزاب/۳۳) پیامبر اسلام (ص) دارای شأن خاصی است که قرآن از او به عنوان الگوی عملی جامعه بشری یاد می‌کند. لذا اگر در متن احادیث مرویه از ایشان به عباراتی برخورد کنیم که متعارض با شأن عصمت رسول اکرم (ص) باشد، قطعاً آن احادیث را باید جعلی نامید. به عنوان مثال اگر حدیثی از رسول اکرم (ص) نقل شود که در آن به موضوع روابط زناشویی خود با یکی از همسرانش اشاره کند، چنین احادیثی فاقد ارزش و اعتبار

اینکه معنی حدیث، مخالف عقل، یا حسن و یا مشاهده باشد و غیر قابل تأویل باشد.» (همو: ۲۸۴)

وی سپس به عنوان نمونه روایت زیر را نقل می‌کند: «به عبدالرحمن بن زید گفته شد: که تو از پدرت، از جدت، از پیامبر (ص) نقل کرده‌ای که آن حضرت فرموده است: سفینه نوح طواف خانه خدا کرده و سپس پشت مقام دو رکعت نماز گزارده است. عبدالرحمن جواب داد: بله من چنین نقل کرده‌ام. این حدیث بسیار در کتاب التهذیب به نقل از شافعی آمده است که: مردی نزد مالک حدیث منقطعی را خواند، مالک به آن مرد گفت: برو نزد عبدالرحمن بن زید که از پدرش، مستقیم از نوح نقل می‌کند.» (همو: ۲۸۴)

این قبیل از روایات را باید به لحاظ عقلی محال شمرد. همچنین آن دسته از روایات که خداوند را به موجودی مادی تشبیه می‌کنند، نه تنها با آموزه‌های قرآن ناسازگارند، بلکه به لحاظ عقلی نیز محال هستند.

مثلاً در بعضی از روایات آمده است که: «پیامبر (ص) فرمود: پروردگرم را بر شتری سرخ مو دیدم که بر او بالا پوشی بود.» چنین روایاتی علاوه بر اینکه با قرآن در تعارض است، با مسلمات عقلی نیز ناسازگار است.

۲- عدم مخالفت با مسلمات علمی

یکی از ملاک‌های نقد حدیث عرضه آن به مسلمات و یافته‌های قطعی علوم تجربی است. از آنجا که علوم تجربی در صورت قطعیت یافتن، بخشی از دفتر تکوین الهی و آفرینش او را برای ما بازگو می‌کنند. لذا تعالیم تشریحی و سنت معصومین (ع) نمی‌تواند با دستاوردهای قطعی علوم در تعارض باشد. مثلاً در روایتی آمده است که: «مسواک زدن، فصاحت انسان

۱- عدم تعارض با عقل؛

۲- نقد حدیث با ملاک‌های علمی (عدم

مخالفت با مسلمات علمی)؛

۳- نقد زبان شناسانه (عدم مخالفت با اصول و

قواعد زبان عربی)؛

۴- نقد تاریخی (عدم تعارض با واقعیت‌های

تاریخی)؛

۵- بررسی تعارض در متون حدیثی (عدم

تعارض متون حدیثی با یکدیگر)؛

۶- بررسی تعارض با اعتقادات ثابت‌ه (عدم

تعارض با اصول اعتقادی)؛

۷- بررسی علل جعل حدیث (عدم دواعی جعل

حدیث)؛

۸- بحث و بررسی در خصوص (روشن

تشخیص احادیث موضوعه)؛

۹- بحث و بررسی در خصوص (احادیث

متعارض و مرجحات آنها).

اینک به بررسی هر کدام از موارد مذکور

می‌پردازیم:

۱- عدم تعارض با عقل

سنجش متن حدیث با ملاک عقلی، یکی از راه‌های شناخت حدیث درست از نادرست است و عموم محققان از شیعه و سنی آن را قبول دارند. دکتر صبحی صالح در این مورد می‌گوید: «قواعد بسیاری برای معرفت احادیث موضوع وجود دارد که مشهورترین آنها پنج قاعده است که چنانچه فقط یکی از این قاعده‌ها بر حدیثی صدق کند، آن حدیث را موضوع می‌نامند (همو: ۲۸۲). سپس وی، تعارض با عقل را به عنوان یکی از ملاک‌های جعلی بودن حدیث شمرد و می‌گوید: «قاعده سوم عبارتست از

را می‌افزاید» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۵/۷۶ ح ۴۸) مسلم است که هیچ رابطه علمی بین مسواک زدن و فصاحت در بیان وجود ندارد و چنین سخنی نمی‌تواند حدیث تلقی شود.

۳- عدم مخالفت با اصول و قواعد زبان عربی

هرگاه در الفاظ حدیث غلط‌هایی از لحاظ قواعد عربی مشاهده شود یا رکابتی در ناحیه معنی وجود داشته باشد، نمی‌توان آن حدیث را پذیرفت، زیرا از پیامبر (ص) که فصیح‌ترین عرب است و همچنین از ائمه شیعه که سرآمد فصحای عرب هستند، جمله‌ای نادرست و یا معنی زننده صادر نمی‌گردد (شانه‌چی، ۱۳۶۳: ۱۲۴). بنابر این هرگاه راوی تصریح کند که به الفاظ صادره از معصوم (ع) نقل نموده و معذک غلط‌هایی در ناحیه لفظ وجود داشته باشد، در این صورت نمی‌توان به صحت صدور آن حدیث از یکی از معصومین (ع) اطمینان کرد.

لازم به ذکر است که با توجه به جواز «نقل به معنی» در احادیث، اگر راوی به صدور عین الفاظ از ناحیه معصوم (ع) تأکید نکند، در این صورت تنها غلط لفظی را نمی‌توان ملاک جعلی بودن حدیث دانست، چرا که ممکن است الفاظ از طرف راوی بوده باشد.

گاهی نیز ممکن است در متن حدیث الفاظی به کار رفته باشند که آن الفاظ در عصر معصومین (ع) به عنوان یک لغت شناخته شده نبودند، در این صورت طبق قواعد زبان‌شناسی نمی‌توانیم آن را بپذیریم.

۴- عدم تعارض با واقعیت‌های تاریخی

براساس این ملاک که آن را «روش نقد تاریخی» نامیدیم، باید در برخورد با روایاتی که به یک موضوع

یا واقعه تاریخی مربوط می‌شوند، به دنبال پاسخ این سؤال باشیم که آیا اساساً در زمان معصومین (ع) چنین حادثه‌ای رخ داده بود یا نه؟ به عبارت دیگر سازگاری محتوای حدیث با مسلمات تاریخی و سیره اثبات شده معصومین (ع) یکی از ملاک‌های صحت حدیث می‌باشد. بخشی از واقعیت‌های تاریخی، سال‌شمار زندگی و مرگ شخصیت‌های روایت است که اگر این شخصیت‌ها در سند روایت به عنوان راوی مطرح شده باشند، بحث از آنها به عنوان ملاک‌های ارزیابی سند حدیث تلقی می‌شود. اما آنچه به بحث متن مربوط می‌شود، سال‌شمار افرادی است که در متن، مورد گفتگو قرار می‌گیرند، مانند روایتی که از گفتگوی امام سجاد (ع) با فردی به نام اصمعی حکایت دارد. برخی با در نظر گرفتن زمان مرگ این فرد (حدود سال ۲۱۵ ق) امکان ملاقات او را با امام سجاد (م ۹۵ ق) - بر فرض معمر بودن هم - منتفی دانسته، روایت را ساختگی می‌دانند (شوشتری، ۱۴۰۱: ۲۴۶۱).

برخی از روایات نیز که به طرفداری از افرادی ساخته شده است که در زمان پیامبر اکرم (ص) وجود نداشته‌اند، مثل آنچه در نکوهش محمد بن ادریس شافعی و جانبداری از ابوحنیفه، از زبان پیامبر اکرم (ص) ساخته شده است: «یکون فی امتی رجل یقال له محمد بن ادریس، اضر علی امتی من ابلیس، و یکون فی امتی رجل یقال له ابو حنیفه هو سراج امتی» (صبحی صالح، ۱۳۷۹: ۲۸۵).

البته اگر روایات مربوط به پیشگویی از آینده، فارغ از تعصبات مذهبی، در منابع فریقین آمده باشد، قابل قبول خواهد بود.

دسته دیگری از روایات نیز هستند که در آنها به پدیده‌هایی اشاره شده است که اصلاً در آن عصر

۶- عدم تعارض با اصول اعتقادی

یکی از ملاک‌های پذیرش صحّت حدیث این است که با مسلّمات اصول اعتقادی سازگار باشد و گرنه قابل پذیرش نخواهد بود. سید مرتضی در این مورد و همچنین در خصوص ضرورت نقد حدیث چنین می‌گوید: «همانا احادیثی که در کتب شیعه و سایر مذاهب اسلامی نقل شده، متضمن انواع اشتباهات و اموری است که بطلان آن یقینی است. مانند امور محال و چیزهایی که دلیل قطعی بر فساد آن داریم چون جبر و رؤیت ذات باری تعالی و قول به وجود صفات قدیمه برای خداوند و امثال آن از مطالبی که ما را ناچار به نقد احادیث می‌نماید.» (شانه‌چی، ۱۳۶۳: ۹۳)

۷- عدم دواعی جعل حدیث

یکی از ملاک‌های تشخیص حدیث درست از نادرست، دقت و بررسی در این مسئله است که آیا برای جعل حدیث انگیزه‌ای بوده است یا نه؟ به عبارت دیگر، بحث و بررسی در علل و انگیزه‌های جعل حدیث، می‌تواند قرائنی را به دست دهد که در بررسی متن احادیث می‌توان بدان قرائن توجه کرد که آیا دخیل بوده‌اند یا نه؟ برخی از انگیزه‌های جعل حدیث به شرح زیر بودند:

الف- موضوع خلافت و جانشینی پیامبر اکرم (ص)؛

ب- روی کار آمدن معاویه و رواج جعل حدیث در فضائل بنی‌امیه؛

ج- خوارج برای تشیید مبانی اعتقادی خویش حدیث جعل می‌کرد و عده‌ای نیز بر علیه آنها جعل حدیث کرده‌اند؛

د- تشعّبات مذهبی و آراء و معتقدات فرق مختلف؛

شناخته شده نبوده‌اند، مانند روایاتی که در باره حمام رسیده است. در حالی که در آن زمان این پدیده برای اعراب ناشناخته بوده است. لذا اینگونه روایات بدلیل اینکه از نظر تاریخی واقعیت ندارند، مورد پذیرش واقع نمی‌شوند. مثلاً از امام علی (ع) روایت شده است که: «بئس البیت الحمام تکشف فیهِ العورات و ترتفع فیهِ الاصوات و لاتقرأ فیهِ آیه من کتاب الله.» (حاج حسن، ۱۴۰۵: ۳۸/۲)

گاهی نیز از نشانه‌های ساختگی بودن حدیث در برگرفتن واژگانی است که در زمان‌های متأخر در موضوعات فقهی یا کلامی یا اجتماعی رایج شده است. مثلاً اگر حدیثی از پیامبر (ص) نقل شود که در آن در خصوص فرقه‌های کلامی مختلف از قبیل مرجئه، قدریه، روافض و خوارج سخن گفته شده باشد، نمی‌توان آن را پذیرفت، چرا که این اصطلاحات در زمان پیامبر اسلام (ص) وجود نداشته‌اند و معلوم است که تعصبات فرقه‌ای موجب وضع و جعل چنین سخنانی شده است.

۵- عدم تعارض متون حدیثی با یکدیگر

گاهی مطالبی در متن برخی از احادیث وجود دارد که با مطالب متون دیگر در تناقض است. بدین صورت که پذیرفتن یکی از آنها مستلزم عدم پذیرش دیگری است. مثلاً روایاتی که در مورد جزیره خضراء آمده است و این جزیره را در اختیار فرزندان و دوستان حضرت مهدی (عج) می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۱۵۹ ح ۲۱)، با روایتی که می‌گوید حضرت مهدی (عج) در زمان غیبت همسر و فرزند ندارد (شوشتری، ۱۴۰۱: ۴۸/۱) در تعارض است و نمی‌توان هر دو را همزمان پذیرفت.

مبالغه‌ها رفته است و بیشتر از ناحیه قصه‌گویان یا نویسندگان کم مایه وضع و نقل گردیده است (شانه‌چی، ۱۳۶۳: ۱۲۴).

ب- هرگاه طیّ حدیثی با مقصد و هدف شارع مخالف شود، نمی‌توان آن را به عنوان حدیث پذیرفت. مثلاً اگر گفته شود: «خیرکم بعد المأتین من لزوجة له و لا ولد» یعنی بهترین مسلمان بعد از سده دوم کسی است که زن و فرزند نداشته باشد. چنین عباراتی که با اصل هدف آفرینش در تعارض است و نقض غرض شارع است، قابل قبول نیستند (شانه‌چی، ۱۳۶۳: ۱۲۵).

ج- هرگاه مفاد حدیثی مشتمل بر اموری باشد که خلاف سیره عقلی و رفتار و گفتار آنان باشد. چنین حدیثی را جزء احادیث جعلی تلقی می‌کنند. مثل جمله زیر: «الدیک الابيض حبيبي و حبيب جبرئيل» (شانه‌چی، ۱۳۶۳: ۱۲۵) بنابر این چنین جملاتی نیز قابل پذیرش نیستند.

۹- استفاده از قواعد رفع تعارض احادیث متعارض (مرجّحات)

دکتر صبحی صالح از علمی به نام علم مختلف الحدیث نام می‌برد و می‌گوید آن علمی است که پیرامون احادیثی که ظاهر آنها تناقض دارد سخن می‌گوید (همو: ۱۹۸) و سپس اضافه می‌کند که: جمع بین دو حدیث متناقض را از طریق تقييد مطلق، تخصیص عام، یا حمل آن دو حدیث بر تعدّد حادثه، اصطلاحاً علم تلفیق الحدیث گویند و آن علمی است که دو حدیث را که، از نظر معنای ظاهری با هم تضاد دارند تلفیق کند و یا یکی از آن دو را بردیگری ترجیح می‌دهد (همو: ۱۹۸).

ه- جعل حدیث بخاطر ثواب بردن؛

و- جعل حدیث در فضائل ائمه اربعه اهل سنت بخاطر رقابت با یکدیگر؛

ز- جعل حدیث توسط عباسیان برای تشیید ارکان حکومت خود؛

ح- افتخارات قبائل و بلاد اسلامی بر یکدیگر که دامنه آن به جعل حدیث کشیده شد؛

ط- جعل حدیث از ناحیه متشرعین برای ترغیب مردم به اعمال دینی؛

ی- جعل حدیث برای جلب توجه پادشاهان؛

ک- اختلاف در مکاتب فقهی و تأیید آراء شخصی؛

ل- ورود اسرائیلیات و نقل قصص قوم یهود؛

م- تعصبات و جانبداری‌های سیاسی و قومی.

(شانه‌چی، ۱۳۶۳: ۹۶-۹۵)

در بررسی متن یک حدیث هر کدام از عوامل فوق می‌تواند به عنوان یک قرینه در نظر گرفته شود و اگر احساس شود که زمینه‌ای برای یکی از قرائن جعل حدیث وجود دارد، عقلاً می‌توان آن حدیث را کنار گذاشت.

۸- استفاده از قواعد و روش تشخیص احادیث موضوعه

برخی از قواعدی که در تشخیص احادیث موضوعه بکار می‌روند، می‌تواند در نقد متنی مورد استفاده قرار گیرد از آن جمله:

الف- هرگاه طی حدیثی درباره مسئله‌ای بی‌اهمیت و کوچک مبالغت زیادی شده باشد، آن را جزء احادیث جعلی محسوب می‌کنند. چنانکه بر بعضی مستحبات یا خواندن پاره‌ای عوذات و دعاها

ضرورت نقد متن

در پایان این مقاله بی‌مناسب نیست که اهمیت و ضرورت روش نقد متنی در احادیث را یک بار دیگر یادآور شویم.

چنانکه می‌دانیم گاهی عوارضی در متن روایات کم و بیش به چشم می‌خورد که ضرورتاً باید آن عوارض را طوری رفع کرد. برخی از این عوارض که در متن روایات دیده می‌شوند به شرح زیر است:

- اختلاف روایات؛

- نقل به معنی در احادیث؛

- ورود الفاظ مشکل در حدیث؛

- تبدیل و تصحیف در حدیث؛

- اضطراب متن روایات (بهبودی، ۱۳۷۸: ۹۸)

- و...

بنابر این از طریق نقد متنی روایات می‌توان در خصوص هر کدام از عوارض متنی راه حلی صحیح عرضه کرد.

برخی از الفاظ نقد متن

برخی از الفاظی که در ارزیابی متن حدیث از آنها استفاده می‌شود به قرار زیر است.

۱- مضطرب: حدیثی که سند یا متن آن به صورت‌های مختلفی نقل شده باشد، در حالی که امکان جمع بین آنها یا ترجیح یکی بر دیگری وجود نداشته باشد (مامقانی، ۱۴۱۱: ۳۸۶/۱).

۲- مقلوب: حدیثی که برخی کلمات آن در سند یا متن، با کلمات دیگر از همان سند یا متن جابه‌جا شده باشد (مامقانی، ۱۴۱۱: ۳۹۱/۱).

استاد شانه‌چی تنافی میان احادیث متعارض را به شرح زیر تقسیم می‌کند:

الف- تعارض ابتدایی که قابل جمع دلالتی باشد، مثل تنافی عام و خاص، مطلق و مقید؛

ب- تنافی مدلول دو خبر به طوری که قابل جمع نباشد که خود بر دو قسم است:

قسم اول: جایی که یکی از دو حدیث مؤید به مرجّحی باشد؛

قسم دوم: صورتی که دو حدیث خالی از مرجّحات باشند.

سپس مرجّحاتی که حدیثی را با آن به دیگری مقدم می‌دارند به شرح زیر آورده است:

الف- مرجّحات سندی (از قبیل عقل راوی و علم و تقوی و ضبط او و قلت وسائط و...)

ب- مرجّحات الفاظ حدیث (مرجّحات روایتی)، مثل حدیثی که به الفاظ صادره از معصوم نقل شده باشد بر حدیثی که نقل به معنی می‌باشد، ترجیح دارد؛

ج- مرجّحات متن حدیث (فصاحت الفاظ حدیث، عدم اضطراب در متن، تأکید دلالتی، دلالت حقیقی و...)

د- مرجّحات خارجی (اعتضاد یکی از دو حدیث به دلیل دیگر، عمل و فتوای بیشتر پیشوایان، موافقت یا مخالفت حدیث با اصل، مخالفت با عامه، شهرت روایی و...) (شانه‌چی، ۱۳۶۳: ۱۹۹-۱۹۵).

چنانکه ملاحظه می‌شود یکی از مرجّحات احادیث متعارض، مرجّحات متنی است. بنابر این می‌توان گفت در نقد متن محور از احادیث، به این بخش از بحث مرجّحات نیاز خواهیم داشت.

- ۲- نقد داخلی (نقد متن حدیث).
بعد از تعریف و بررسی هر کدام از روش‌های فوق معلوم شد که:
- بررسی سندی حدیث تنها بخشی از ارزیابی حدیث را تشکیل می‌دهد و ضعف آن می‌تواند قریبه‌ای برای ناستواری حدیث تلقی شود. اما برای کنار گذاشتن روایت، نیازمند دلایل محکم‌تری از نقد متن هستیم.
- بنابر این با توجه به محدودیت نقد سند، باید نقد متن را مهم‌ترین راه ارزیابی حدیث تلقی کرد.
- نقد متن محور با دو گروه از معیارها انجام می‌گیرد: الف- معیارهای نقلی؛ ب- معیارهای عقلی.
- در معیارهای نقلی معیار سنجش صحت یک حدیث، عرضه آن به قرآن و سنت می‌باشد. اما در معیارهای عقلی، معیار سنجش صحت یک حدیث عدم مخالفت آن با عقل سلیم و مسلمات عقلی و قرائن عقلانی می‌باشد.
- در این مقاله انواع معیارهای نقلی و عقلی در نقد حدیث مورد بررسی قرار گرفت و در هر مورد مثال-ها و شواهد لازم ذکر گردید.
- در ضرورت نقد متن محور گفته‌اند: برخی از عوارض که کم و بیش در متن روایات به چشم می‌خورد ضرورتاً راهی را برای رفع تعارض می‌طلبد، لذا باید به دنبال قواعدی باشیم که بتوانند عوارض متن را از بین ببرند.
- ۳- مُصَحَّف: حدیثی که تغییراتی در حروف قسمت‌هایی از سند یا متن آن به حروف مشابه صورت گرفته باشد (مامقانی، ۱۴۱۱: ۱۳۷/۱).
- ۴- مُدْرَج: حدیثی که با وارد کردن قسمت‌هایی به آن در سند یا متن آن تغییراتی صورت گرفته باشد (مامقانی، ۱۴۱۱: ۲۱۹/۱).
- ۵- مؤید: حدیثی که در مقایسه با دیگر احادیثی که در همان معنا رسیده فزونی‌ای داشته باشد (مامقانی، ۱۴۱۱: ۲۴۶/۱).
- ۶- شاذ: حدیثی که راوی ثقه در نقل آن تفرّد داشته باشد، در حالی که مخالف با روایت دیگری باشد که فرد موثوق‌تری یا جمعی از ثقات آن را نقل کنند (مامقانی، ۱۴۱۱: ۲۵۵/۱).
- ۷- مُنْكَر: حدیثی که در سلسله روایان آن غیر ثقه وجود داشته باشد، در حالی که مخالف با روایت ثقه یا جمعی از ثقات باشد (مامقانی، ۱۴۱۱: ۲۵۷/۱).
- ۸- شذوذ: عبارتست از اینکه حدیثی مخالف با آن، از فرد یا افراد موثوق‌تر نقل شده باشد (مامقانی، ۱۴۱۱: ۱۵۳/۱).
- ۹- عِلّت: به اشکالاتی در سند یا متن حدیث گفته می‌شود که آشکار نیست (مامقانی، ۱۴۱۱: ۱۵۳/۱).

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله معیارهای نقد حدیث در دو بخش مورد بررسی قرار گرفت:

- ۱- نقد خارجی (بررسی سند حدیث)؛

منابع

- دمشق: بی‌نا.
- بهبودی، محمد باقر (۱۳۷۸ش). *علل الحدیث*. تهران: انتشارات سنا.
- مماقانی، عبدالله (۱۴۱۱ق). *مقیاس الهدایه فی علوم الدرایه*. قم: بی‌نا.
- تهرانی، شیخ آقا بزرگ (۱۴۰۳ق). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. بیروت: دارالاضواء.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- حاج حسن، حسین (۱۴۰۵ق). *تقد الحدیث فی علم الدرایه و الروایه*. بیروت: بی‌نا.
- معارف، مجید (۱۳۸۲ش). *پژوهش دینی (فصلنامه)*. شماره ۴ تهران.
- سبحانی، جعفر (۱۴۰۵ق). *الحدیث النبوی بین الروایه و الدرایه*. بیروت: بی‌نا.
- مدیرشانه چی، کاظم (۱۳۶۳ش). *علم الحدیث*. قم: بی‌نا.
- شوشتری، جلال‌الدین (۱۴۰۱ق). *الاخبار الدخیله*. تهران: بی‌نا.
- معروف الحسنی، هاشم (۱۳۹۸ق). *دراسات فی صبحی صالح (۱۳۷۹ق)*. علوم الحدیث و مصطلحه. الحدیث و المحلثین. بیروت: بی‌نا.

